

چکیده

د ر ا ی ن

مقاله، پس از

اشاره‌ای مختصر

در مورد مکتب رمانتیسم

و اصول آن و نیز معرفی

شهریار، به‌عنوان شاعری که

برخی از آمیزه‌های این مکتب را

متناسب با سرشت شعر فارسی می‌دانسته

و آن را در شعر خویش به‌کار برده است،

چگونگی بازتاب جلوه «بازگشت نوستالژیک به

گذشته» در شعر وی، زیرعنوان‌های «نقد مظاهر و

پیامدهای تمدن جدید و آرزوی بازگشت به دوران

ماقبل مدرنیسم»، «بازگشت به طبیعت»، «بازگشت

به دوران کودکی» و «روستایی» بررسی می‌گردد.

در مورد پیشینه تحقیق باید گفت درباره مکتب

رمانتیسم مطالبی در کتب مختلف از جمله کتاب

«مکتب‌های ادبی» رضا سیدحسینی، «سیر

رمانتیسم در غرب» از مسعود جعفری، «فرهنگ

اصطلاحات ادبی» از سیما داد و چندین کتاب دیگر

آمده است. در مورد تأثیر این مکتب بر شعر شهریار

نیز به‌صورت خاص، مقاله‌ای با عنوان «جلوه‌های

رمانتیسم در شعر شهریار» از باقر صدری‌نیا، در

نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز به چاپ

رسیده لیک در مورد بازگشت نوستالژیک به گذشته

در شعر شهریار، کتاب و مقاله خاصی نوشته نشده

است.

کلیدواژه‌ها: رمانتیسم، نقد تمدن، بازگشت به

طبیعت، بازگشت به کودکی، روستاستایی

# خود را به عهد کودکی ام بردن آرزوست

نوستالژی در شعر شهریار



دکتر ایلیان نورایی  
استادیار زبان و ادب فارسی دانشگاه ایلام  
ملیحه جام‌خانه  
دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادب فارسی دانشگاه درفول

رمانتیسیم به جنبشی در ادبیات، سیاست، هنر و فلسفه اطلاق می‌گردد که در اواخر قرن هیجدهم و اوایل قرن نوزدهم به‌وجود آمد. این مکتب، دارای اصول و مبادی خاصی است. نخستین وجه مشخصه آن، تضاد با کلاسیسیسم و اصول آن است. مضمون‌های شاخص این مکتب عبارت‌اند از: توجه به احساسات و هیجانات فردی، طغیان بر ضد قواعد شعری، نقد مظاهر تمدن و بازگشت به دوران ماقبل مدرنیسم، بازگشت به دامن طبیعت، روستاستایی، بازگشت به کودکی، و رویکرد شهودی به دین.

از آنجا که صبغه اشرفی و ضد فئودالی رمانتیک‌ها با حال و هوای ایران در آخرین دهه‌های قرن سیزدهم هماهنگی داشت، بنابراین، عرصه جولان رمانتیسیم به معنای واقعی در ایران بعد از مشروطیت است. این مکتب با «افسانه» نیما بالید و با آثار رمانتیک‌های بزرگی مانند خانلری، مشیری و گلچین گیلانی به اوج خویش رسید.

وقتی نیما منظومه بلند «افسانه» را سرود و در آن از شیوه‌ی روایی و نمایشی و مکالمه‌ای برای بیان مفاهیم عاشقانه استفاده کرد، بسیاری تحت تأثیر او به نوجویی و تجددطلبی در شعر اعتقاد و علاقه پیدا کردند. یکی از این شاعران، شهریار بود. «وی با آثار برخی از رمانتیک‌های جهان نیز به‌وسیله نیما آشنا شده است؛ از جمله «هریمن» اثر لرمانتف، شاعر رمانتیک روس، را که شهریار آن را عروس شعر رمانتیک می‌نامد، با معرفی نیما به مطالعه گرفته است» (صدری‌نیا، ۱۳۸۲: ۱۳۷). خود وی چنین می‌سراید:

نخست شعر کز این در سزای سرمشقی است  
اگر درست بخواهی «سه تابلو»ی عشقی است

سپس خلاصه رمانتیک سبک ثانی ماست  
که نقش روشن آن در «افسانه» نیماست  
(شهریار، ۱۳۷۹: ۸۴)

آری، شهریار با تأمل در افسانه نیما و سه تابلوی میرزاده عشقی با اصول رمانتیسیم و کاربرد آن در شعر فارسی آشنا شد و تحولی در روح و اندیشه شاعرانه‌اش پدیدار گشت. او خود به‌صراحت تأکید می‌کند که:

بلی فسانه نیما مرا دگرگون کرد

از آن سپس قلمم را به خویش مدیون کرد  
(همان: ۸۵)

وی از شاعران سنت‌گرایی است که در عین پیروی از سبک شاعران بزرگ گذشته، خود نیز از ذوق و استعداد شعری خاصی برخوردار بوده‌اند. در نتیجه، گاه اشعاری سروده‌اند که می‌توان برای آن‌ها در کنار آثار و اشعار بر جای مانده از شاعران بزرگ گذشته، حساب و کتاب جداگانه‌ای باز کرد. (حسین پورچافی، ۱۳۸۴: ۵۵)

با توجه به اینکه رگه‌هایی از اصول و مبادی مکتب رمانتیسیم در شاعران معاصر، از جمله شهریار، وجود دارد، شناخت آن در قرن معاصر برای جویندگان ادب فارسی یک ضرورت است. این مقاله عهده‌دار بررسی اجمالی ویژگی بازگشت نوستالژیک به گذشته در شعر شهریار است.

### بازگشت نوستالژیک به گذشته

یکی از ویژگی‌های رویکرد ادبی - هنری رمانتیک، گرایش به تصویر کردن شخصیت‌های سودایی و افسرده حال و توصیف نحوی حس‌وحال معطوف به حسرت‌زدگی نسبت به گذشته‌هاست. رمان‌نویسان رمانتیک اگرچه محصول تفکر و تمدن مدرن و مظهر جریان غیرغالب جهان‌بینی عصر روشنگری هستند، میل غریب و حسرت‌باری به فضای قرون وسطایی و در برخی موارد شرقی دارند. البته مشرق‌زمین یا قرون وسطایی که رمانتیک‌ها ترسیم می‌کنند، ماهیتاً با واقعیات تاریخی - فرهنگی این ادوار و تمدن‌ها تفاوت دارد و آنچه رمانتیک‌ها تصویر می‌کنند، بیشتر محصول خواست‌ها و خیالیاتی‌ها و تخیلات خود این نویسندگان است. شخصیت‌ها و قهرمانان آثار رمانتیک اساساً افرادی سودایی و افسرده حال و دل‌تنگ‌اند که میلی بیمارگونه به تنهایی و مکان‌های ویرانه و «روزهای خوش» از دست رفته دارند. درواقع، شخصیت تپیک (Typic) قهرمانان داستان‌های رمانتیک تا حدودی شبیه تپیک «شخصیت افسرده» در روان‌شناسی مرضی مدرن می‌باشد. (زرشناس، ۱۳۸۶: ۱۳۷)

از آنجا که شهریار فردی انزواطلب و خلوت‌گرا بوده و از طرفی تحت تأثیر اصول و مبادی رمانتیسیم قرار گرفته است، می‌توان جلوه‌های بازگشت نوستالژیک به گذشته را در جای‌جای دیوان او در مقوله‌های زیر مشاهده کرد.

### مظاهر و پیامدهای تمدن جدید و آرزوی بازگشت به دوران ماقبل مدرنیسم

با تأمل در اشعار شهریار درمی‌یابیم که یکی از جلوه‌های بازگشت نوستالژیک به گذشته، نقد مظاهر و پیامدهای تمدن جدید و بازگشت به دوران ماقبل مدرنیسم است. از نظر رمانتیک‌ها به هر حال باید از زمان «حال» و ناکامی‌ها، دل‌تنگی‌ها، اندوه و سرخوردگی‌ها فرار کرد؛ فرار به رؤیا، فرار به گذشته، فرار به سرزمین‌های دور، بازگشت نوستالژیک به دوران ماقبل مدرنیسم، به نوعی فرار از «حال» است.

تمدن جدید و دستاوردها و پیامدهای آن از منظرهای گوناگون مورد نقد قرار گرفته است. این دیدگاه‌ها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد؛ دیدگاه نخست در عین حال که کلیت تمدن جدید را به‌عنوان دستاورد بزرگ بشریت ارج می‌نهد، آن را از شائبه و نقص مبراً نمی‌داند و با چنین دریافتی به نقادی و وجوه نامیمون و پیامدهای زیان‌بار آن می‌پردازد، اما دیدگاه دوم نه‌تنها مزیتی در تمدن جدید نمی‌یابد بلکه آن را ویرانگر مبانی ارزش‌ها و تباہ‌کننده اصالت‌ها و سنت‌های اعصار گذشته می‌داند. پیروان این دیدگاه - که رمانتیک‌ها نیز از جمله آنان‌اند - بر این عقیده‌اند که زبان مدنیت نوین بیش از نفع آن است. بر اثر رواج مظاهر این تمدن، بهشت سرشار از عصمت و آرامش و امن و ایمن گذشته جای خود را به دوزخی دردخیز سپرده و شرنگ آن کام بشریت را تلخ کرده است. (صدری‌نیا، ۱۳۸۲: ۱۴۷)

دنباله مطلب در وبگاه نشریه

